

بررسی اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور

سید سهراب حسینی^۱، سیما دادیلی^۲، سونیا جلیلودفرد^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی شیمی کاربردی دانشگاه ارومیه

^۳ کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور زنجان

چکیده

اهمیت آموزش و پرورش در دنیای امروز به حدی است که بسیاری از جامعه شناسان و نخبگان آن را مهم ترین نهاد در ساخت یک جامعه موفق می دانند. در اغلب جوامع امروز نهادهای آموزش و پرورش ابزار مهم تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی به شمار می روند. و از آنها انتظار می رود که موجبات رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را فراهم بسازند. امروزه آموزش و پرورش از مهم ترین مولفه های تاثیر گذار در روند توسعه پایدار در کشورها به حساب می آید. همه مطالعات و تجربیات همگی مبین و موید این نکته است که توسعه پایدار و همه جانبه الزاما باید از بستر نیروی انسانی بگذرد و پیش شرط توفیق، تثبیت و تداوم هر گونه توسعه و تحولی، سرمایه گذاری در توسعه انسانی به منزله رکن و هسته اصلی و محوری آن می باشد. آموزش و پرورش رکن اساسی و بنیان توسعه همه جانبه کشور می باشد. آموزش و پرورش زمانی می تواند بستر ساز توسعه و پیشرفت جامعه باشد که رویکردها به سمت آن باشد نه طرح های شعاری و گاه ارمان گرایانه که گاهی تصور می شود. بر اساس نتایج نظام آموزش و پرورش هر کشوری یکی از مهم ترین موسسه ها و نهادهای اجتماعی است که منجر به توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می شود. در این مقاله، نگارنده تلاش کرده است تا اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور را بررسی کند. پژوهشگر با روش توصیفی- تحلیلی و تحقیق کتابخانه ای و با بررسی جدیدترین منابع داخلی و خارجی معتبر، به بررسی این موضوع پرداخته و سعی کرده توضیحات کامل و جامعی ارائه دهد.

واژه های کلیدی: آموزش و پرورش، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی.

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از قدیمی ترین نهادهای اجتماعی است که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان و در پاسخ به نیاز انسان ها در روابط متقابل به شکل ابتدایی خود وجود داشته است. آموزش و پرورش کلیدی است در راه به سوی نوسازی جامعه می گشاید و به عمل یا فرایندی اطلاق می شود که از طریق آن، دانش، مهارت، شایستگی و کیفیت های مطلوب رفتار یا منش به فرد آموخته می شود. نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشوری محسوب می شود و با رشد و توسعه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد و به تدریج از یک حالت ساده ابتدایی به یک حالت پیچیده در آمده است. ثمر بخشی این نظام از یک سو، تبدیل انسان های مستعد سالم، بالنده، متعادل و رشد یافته است و از سوی دیگر تامین کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخش های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. به دلیل چنین اهمیتی است که در عصر حاضر همه دولت های جهان از کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان و صنعتی تا در حال توسعه، پرداختن به آموزش و پرورش را در شمار وظایف اساسی می دانند. امروزه آموزش به عنوان یک عامل در اصل فرآیند توسعه مطرح است. هدف توسعه تغییر و دگرگونی مطلوب و همه جانبه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می باشد که آن نیز بستگی به پرورش مغزهای آموزش یافته دارد که می تواند تحقیق کنند، نوآوری داشته باشند و خود و جامعه را با محیط مناسب سازگار نمایند. آموزش و پرورش عامل اصلی و یکی از ارکان آن، معلمان، می توانند نقش بسزایی را در راه توسعه کشور ایفا نمایند. آموزش و پرورش مهم ترین نهاد در یک جامعه و در عین حال سازنده و تکامل دهنده آن است و تاثیر آن در پیشرفت جامعه، امری حیاتی و محسوس است (عارف نژاد، ۲۰۱۸). به اعتقاد رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران، اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، به سعادت معنوی، به پیشروی علمی، به آبادانی زندگی دنیا، به هر آرزویی، بخواهد دست پیدا کند، باید به آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی، مقدماتی لازم بپردازد. اهمیت آموزش و پرورش به واسطه کارکردهایی است که برعهده دارد و این کارکردها هم از جنبه فردی و هم از جنبه اجتماعی قابل بررسی است. تاکنون اندیشمندان مختلفی، آموزش و پرورش را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار داده اند؛ جامعه شناسان نیز آموزش و پرورش و کارکردهای آن را نیز از دیدگاه جامعه شناختی مورد بررسی قرار داده اند و کارکردهایی برای آن در نظر گرفته اند از قبیل جامعه پذیری و فرهنگ پذیری، نظارت اجتماعی، انسجام و یگانگی اجتماعی، نوآوری و تغییرات و

نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی، یکی از سازمان های پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشور محسوب می شود و با رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوندی ناگسستنی دارد. تعلیم و تربیت در همه اعصار و نسل ها، مهم ترین کار بشر در زندگی بوده است (مالکی، ۲۰۱۰). آموزش و پرورش با تربیت افراد جامعه و دگرگون کردن طرز نگرش

آنان می‌تواند بزرگترین خدمت را به توسعه نماید چرا که می‌دانیم یکی از موانع عمده عقب ماندگی در کشورهای توسعه نیافته، موانع فرهنگی است مثلاً در این کشور ها درک درستی از توسعه و یا اهمیت کارکردن در ساختن جوامع ندارند و از آن ها غافل هستند و آموزش و پرورش می‌تواند با تغییر و یا اصلاح دیدگاه ها، بزرگترین کمک را به توسعه جوامع عقب مانده نماید. اهمیت آموزش نیروی انسانی در توسعه جوامع پیشرفته به حدی است که رقم بالایی از بودجه خود را به امر تحقیقات اختصاص می‌دهند دلیل آن هم موفقیت پژوهش‌ها و تاثیر آنها در تحول بنیادین و ساختار علمی آن کشور ها می‌توان دانست. در این مقاله سعی می‌شود اهمیت آموزش و پرورش و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

مفهوم آموزش و پرورش

آموزش و پرورش دارای مفهوم و کاربردی گسترده پیچیده و مبهم است. تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از آموزش و پرورش به دست نیامده است و اهل نظر هر یک بر پایه تفکرات و تجربیات خود تعریفی از آن ارائه داده اند. صاحب نظران ایرانی یا مسلمان تعلیم و تربیت در سده های پیشین مانند امام محمد غزالی، هیچکدام در پی تعریف مفهوم آموزش و پرورش نبوده اند و گویا اهمیت تعریف این مفهوم را درک نکرده بودند در عصر حاضر متفکران ایرانی مانند محمد باقر هوشیار و امیرحسین آریان پور مرتضی مطهری در این باره اظهار نظر کرده اند ولی دانشمندان غربی از دیرباز تاکنون تعاریفی از آموزش و پرورش ارائه داده اند. آموزش و پرورش دلالت دارد بر پرورش نسل جوان تعلیم فکری و اخلاقی رشد شخصیت و توانایی های ذهنی به خصوص از راه تامین آموزش منظم (گولد، ۱۳۷۶).

آموزش و پرورش عبارت است از جریانی نظام مند و هدف دار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب. آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق میشود که به صورت قراردادی و به شیوه ای منظم، منطقی و از روی برنامه ارائه گردد. این نوع آموزش و پرورش با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و با طی سطوح و مراحل مختلف آن ادامه می‌یابد.

آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال آموزگار که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم برنامه ای است.

آموزش و پرورش دوباره ساختن با سازمان دادن تجربه است به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی فرد را بهتر قادر سازد.

آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (متربی) و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق میپذیرد. از آن جایی که کودکان بی سواد نادان و غیر مطلع از فرهنگ جامعه شان به دنیا می آیند برای یادگیری فرهنگشان هنجارهای رفتاری افراد بالغ یادگیری مهارتها یافتن نقششان در اجتماع و رسیدن به اهدافشان نیاز به آموزش دارند. آموزش و پرورش عبارت است از " فرآیند هدایت و جهت دهی عمدی تجارب انسانی " (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸).

مفهوم توسعه

واژه ی توسعه (Development) از نظر لغوی در زبان انگلیسی به معنی بسط یافتن درک کردن تکامل و پیشرفت است. گرچه این واژه از قرن هشتم هجری میلادی برای توضیح برخی پدیده های اجتماعی بکار رفته است. لیکن استفاده وسیع از این واژه به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی به بعد از جنگ جهانی دوم و در دهه های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ مربوط میشود. در آن موقع این واژه مترادف با نوسازی رشد صنعتی شدن و برای تعبیرات و اصطلاحات مشابه به کار می رفت. در تعریفی دیگر توسعه را فرایند تحول بنیادین باورهای فرهنگی نهادهای اجتماعی سیاسی و اقتصادی به منظور خلق و متناسب شدن ظرفیت های جدید و ارتقای کمی و کیفی قابلیت ها و توانایی های انسانی آموزشی و اقتصادی می دانند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸).

اهمیت و ارزش آموزش و پرورش

بدون آموزش و پرورش، کودکانمان برای برقراری ارتباط موثر بین همدیگر و سایر مردم جامعه دچار مشکل می شوند؛ کودک از طریق تعامل با افراد جامعه برای پذیرش نقش های اجتماعی آماده می شود. کودک در جامعه با رفتارها، آداب و رسوم اجتماعی و... آشنا شده و آنها را برای خود الگو قرار می دهد که چگونه رفتاری مورد قبول و پذیرش افراد جامعه و حتی خانواده اش است. اجتماعی شدن تنها راه پذیرش حس مسئولیت پذیری، همراهی و همکاری در جامعه است. هیچ فردی بدون ارتباط با هموعان خود به رشد و تعالی نمی رسد چون راه رشد و پیشرفت افراد از جامعه می گذرد این نهاد با آموزش و نهادهای سازگی الگوها و رفتارهای مطلوب اجتماعی افراد را برای حضور موثر و مفید در جامعه آماده می کند. چون آموزش منشاء اصلی تبلور و نهادهای سازگی ارزش ها و الگوهای اجتماعی است. آموزش و پرورش، نردبان ترقی و ارتقای زندگی اجتماعی افراد جامعه است؛ هر پله ای را که فرد از این نردبان طی می کند به قله های ترقی و پیشرفت نزدیک می شود. هنر آموزش، تربیت افرادی است که بتوانند در آینده مسئولیت های مهمی را برعهده بگیرند. پایه اصلی عزت نفس و اعتماد به نفس در آموزش و پرورش شکل می گیرد که انسان را مصمم می کند چطور پله های ترقی را طی کند. (امیری، ۱۴۰۱).

جایگاه تربیت آموزش و مهارت های منابع انسانی در توسعه (تربیت و آموزش رکن اساسی پیشرفت)

حال که روز به روز به سوی جهانی تر شدن پیش میرویم انسان در آستانه ی قرن بیست و یکم با شتاب تکنولوژی آن چنان می رود که از خود نیز می ماند بیسوادی و فقر، آگاهی انزوای جهانی در پی می آورد و انزوا یعنی پیمودن مسیر نابودی و نیستی که اگر ندانیم و بر آن تنازیم آنان که می مانند می تازند و باقی داستان را رقم می زنند. برای رسیدن به آگاهی و سواد امروزه دیگر بینش و ضرورت توجه به تربیت و آموزش در بسیاری از کشورها کاملاً شناخته شده و تلاش آنها در جهت بهبود این رکن اساسی و انسان ساز جوامع است و مستلزم رسیدن به این باور است که امروز دانایی توانایی است. اگوست کنت پدر علم جامعه شناسی میگوید پیشرفت و ترقی بشر به تربیت و آموزش صحیح بستگی تمام و کمال دارد زیرا تعلیم و تربیت صحیح حس تفاهم را بین افراد پرورش می دهد " وارد " جامعه شناسی آمریکایی معتقد است: تعلیم و تربیت در پیشرفت اجتماع اثر فراوان دارد زیرا اگر انسان صحیح پرورش یابد، قادر به حل مشکلات موجود خود خواهد بود و مشکلاتی را که در راه پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی است. از بین خواهد برد. پیازه عقیده دارد، هدف اساسی تربیت و آموزش بار آوردن افرادی است که بتوانند دست به کارهای خلاق و تازه برنند نه اینکه فقط به تکرار کارهای گذشتگان بپردازند، غرض ساختن اشخاصی است که خلاق مخترع و کاشف باشند. اهمیت شگفت انگیز تربیت و آموزش در زندگی انسان و شکوفایی استعدادها و ارزش های والای انسانی بر هیچکس پوشیده نیست. تربیت و آموزش درست نه تنها می تواند در رشد اخلاقی رفتاری و حتی جسمانی افراد مؤثر باشد بلکه وسیله ای در جهت رفع نیازهای حقیقی و مصالح اجتماعی به شمار می آید یعنی نقش تربیت و آموزش نه تنها در عینیت بخشیدن به زندگی مادی و معنوی فرد متوقف و محدود نمی شود بلکه تمام شؤون اجتماعی او را در بر می گیرد و عامل رشد و تحول اساسی جامعه می گردد رشد. اقتصادی در هر جامعه تا حدودی بستگی به میزان تحول در رفتار فردی دارد چرا که انسان مهم ترین عامل در فرآیند تولید است.

آدام اسمیت اقتصاددان معروف کلاسیک معتقد است آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه گذاری در آنهاست با آموزش افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت های آنان سبب می گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نایل گردند بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری در آنها منتفع گردد به عقیده اسمیت انسانها با آموزش به سرمایه مبدل میشوند و جامعه میتواند از توان تولید آنها به صورت بهتری بهره مند گردد. تأمین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است بنابراین انجام هرگونه سرمایه گذاری، آموزشی سرمایه گذاری برای تأمین سرمایه انسانی تلقی می گردد و هم شرایط بهبود کیفیت این سرمایه ها را فراهم می آورد آموزش مانند دیگر انواع سرمایه گذاری در سرمایه ی انسانی می تواند به توسعه ی اقتصادی کمک نماید سرمایه انسانی در واقع کلید رشد و توسعه در هر جامعه ای می باشد آن جامعه ای مراحل رشد و توسعه را سریع تر و بهتر طی

میکند و به قله های پیشرفت و موفقیت میرسد که از نیروی انسانی ماهر، متخصص و شایسته برخوردار باشد و چنین نیروی انسانی زمانی تأمین خواهد گردید که سرمایه گذاریهای مناسب در زمینه های مختلف آموزشی صورت پذیرد. تنها از طریق آموزش است که میتوان توانایی ها و مهارت های لازم را به نیروی کار منتقل نمود و موجب افزایش قدرت تولید جامعه و نیز بازدهی کار افراد گردید امروز افراد خانواده ها و دولت ها تمایل زیادی به سرمایه گذاری در بخش آموزش از خود نشان می دهند چرا که تربیت و آموزش از یک سو قابلیت های نیروی انسانی را ارتقاء میبخشد و در شکوفایی استعدادها نقش مؤثری دارد و از سوی دیگر نیروی کار را برای استفاده بهتر از تکنولوژی برتر تولید آماده و مهیا می سازد و این دو نقش تربیت و آموزش در رشد و توسعه اقتصادی سهم مهمی دارد و به همین علت است که کشورهای توسعه یافته هر روز مبالغ بیشتری به این بخش اختصاص می دهند. (حسن پور، ۱۳۹۱).

اولویت آموزش پرورش و آینده جامعه

از زمان شکل گیری زندگی جمعی، آموزش نقش بسزایی در جامعه بشری داشته است. گذار از جوامع قبیله ای و رسیدن به دنیای صنعتی تغییرات زیادی در شیوه های تربیتی و نظام های آموزشی ایجاد کرده است. با پیشرفت بشر و متناسب با نیازهای جامعه، آموزش جایگاه والاتری یافته به گونه ای که امروزه بسیاری از جوامع به درک درستی از اهمیت آموزش و پرورش رسیده و همواره می کوشند بهترین سیستم آموزشی را در جامعه خود داشته باشند تا از قافله تمدن جا نمانند. تلاش برای تربیت شهروندان آگاه و توانمندی که پیشرفت را برای جامعه به ارمغان بیاورند تغییرات زیادی در سیستم های آموزشی ایجاد کرده است. یادگیری با محوریت دانش آموز به تدریج جایگزین یاد دهی با محوریت معلم شده است. دفاع از صلح، پایبندی به حقوق بشر، همزیستی با انسان های دیگر و تعامل و تقویت روحیه جمعی از جمله نیازهای نوین جوامع انسانی است که جای خود را در سیستم های آموزشی باز کرده است. استفاده از روش های سنتی و جایگاه پایین آموزش و پرورش در جامعه ما این سوال را در ذهن ایجاد می کند که آیا ما برای تربیت نسلی که آینده کشورمان را خواهند ساخت توجه لازم را به سیستم آموزشی داریم؟! چگونه می خواهیم شهروندانی آگاه تربیت کنیم؟!

فراموش نکنیم جامعه هنگامی به سمت تحولات مثبت می رود که سرمایه اجتماعی آن فراهم باشد. بدون تربیت صحیح افراد انتظار تغییر در رفتارهای اجتماعی و رسیدن به ایده آل ها بیهوده است. جامعه هنگامی رشد خواهد کرد که توان تغییر و تحول را در خود داشته باشد و این تغییر از طریق آموزش و پرورش می تواند ایجاد شود. یکی از دلایل به سرانجام نرسیدن تلاش هایی چون جنبش مشروطه برای ایجاد تغییر، شاید این بود که تحول شخصیتی و آگاهی لازم در بین افراد جامعه و بعضا نخبگان ما صورت نگرفته بود. رفتارمندی بر خورداری حاکمان مستبد کشورمان در طول تاریخ چنان در وجودمان نقش بسته

که تغییر آن به سال‌ها آموزش و فرهنگ‌سازی نیاز دارد. رفتارهای مستبدانه حتی در بین تحصیل‌کرده ها و اساتید علمی دانشگاه ما هم به وضوح مشاهده می شود و این واقعیت گویای این است که سیستم آموزشی و تربیتی کشور وظیفه‌اش را به خوبی انجام نداده و نتوانسته افراد را متناسب با ارزش‌های دموکراتیک پرورش دهد. در بسیاری از کتاب‌های تعلیم و تربیت از ضعف‌های روش سنتی معلم محوری نوشته و بیان می شود اما در عمل تغییری در این روش صورت نمی گیرد! دانش‌آموزانی که از بدو ورود به کلاس، دستورهای معلم را اجرا و گوش می کنند به وجود قدرتی بالاتر (معلم) عادت کرده و به آن وابسته می شوند و مسوولیت پذیر نخواهند بود. آری، سیستم آموزشی باید متحول شود اما کسانی که می خواهند تغییر را آغاز کنند باید بدانند که تحول بنیادین، با تغییر تعداد پایه‌های مقاطع تحصیلی ایجاد نخواهد شد! تغییر زمانی رخ می دهد که نگاه ما به آموزش و پرورش و سیستم کلاس‌داری تغییر کند؛ نیازهای جدید دانش‌آموزان را پذیرفته و در نظر بگیریم و معلمان را با روش‌های نوین آموزش آشنا کنیم (محمد زاده، ۱۳۹۴).

کارکردهای آموزش و پرورش در جامعه

۱- آموزش در ایجاد یک جامعه مدرن و توسعه یافته نقش مهم و موثری دارد. آموزش منبع اصلی تعالی و ارتقای زندگی اجتماعی است که انسان بدون آن برای رسیدن به اهدافش دچار رنج و زحمت فراوانی خواهد شد. درهای جدیدی را به روی انسان باز می‌کند که تا قبل از آن بسته بوده‌اند و موتور محرک جامعه است که به وسیله آن به حرکت و تلاش برای پیشرفت و رسیدن به افق های روشن وا می‌دارد.

۲- آموزش مانند نگهبانی است که راه‌های ناهموار را هموار کرده و انسان‌های بی‌تفاوت را نسبت به سرنوشت خود، حساس کرده و به سوی مقصد اصلی راهنمایی می‌کند و شاید بتوان گفت نقش آموزش مانند نورافکنی است که نقاط تاریک و نادیدنی را برای انسان نمایان می‌سازد و چشم و هوش او را به روی واقعیات زندگی باز می‌کند.

۳- آموزش برای ایجاد ثبات ژئوپلیتیکی (تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار سیاستمداران) جامعه مورد نیاز است. چون آموزش باعث می شود که خطوط و مرزبندی های اجتماعی به وضوح برای همه روشن شود و همگان از حق و حقوق اجتماعی خود آگاه شده و مطابق آن عمل کنند. علم و دانش انسان جز از طریق آگاهی از حق و حقوق خود قابل توسعه و ارتقا نیست. به عبارت دیگر، ثبات ژئوپلیتیکی یکی از قدرتمندترین تأثیرات آموزش بر جامعه است و از این طریق آرامش و ثبات را به جامعه هدیه می‌کند تا مردم در کنار همدیگر زندگی آرام و ایمنی داشته باشند.

۴- آموزش باعث توسعه و رونق اقتصادی در بازارهای داخلی و جهانی می شود. یکی از مهم ترین تأثیراتی که آموزش بر جامعه می گذارد این است که به افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند مهارت های لازم برای رقابت در بازارهای داخلی و جهانی و مهارت های لازم برای تولید کالاها و تکنولوژی و فناوری های نوین را به افراد جامعه می دهد. سقراط در این باره می گوید: «دانش را بر ثروت ترجیح دهید، زیرا یکی گذرا و دیگری دائمی است».

۵- آموزش به مردم دانش و قدرت تشخیص لازم را برای انتخاب رهبران توانا، توانمند و تاثیرگذار می دهد. آموزش و پرورش به افراد جامعه این توانایی را می دهد که چگونه یک فرد توانمند و کارآمد را برای اداره کشور انتخاب کند.

آموزش به ترویج مدارا و بردباری و کاهش درگیری ها بین افراد جامعه کمک می کند. بالاترین نتیجه آموزش و دانایی تواضع و بردباری است. آموزش حس زندگی مسالمت آمیز در کنار همدیگر را در افراد جامعه بیدار می کند و به او می گوید برای رسیدن به اهداف خود چطور باید اعتماد و توجه دیگران را به خود جلب کند.

۶- آموزش و پرورش این قدرت را دارد که به جوامع و به طور کلی جهان کمک کند تا به سمت بهتر شدن تغییر کنند. به گفته نلسون ماندلا: «آموزش قوی ترین سلاحی است که می توانید برای تغییر جهان از آن استفاده کنید». مالکوم ایکس می گوید: "آموزش و پرورش پاسپورت آینده است، زیرا فردا متعلق به کسانی است که امروز برای آن آماده می شوند." آموزش ابزار قدرتمندی است که می توان از آن برای تبدیل جهان به مکانی بهتر برای زندگی استفاده کرد.

۷- آموزش مانند آینه ای است که اشتباهات گذشتگان را برای آیندگان عیان می کند که از آنها درس بگیرند و به اعضای یک جامعه امکان می دهد از اشتباهات گذشته درس بگیرند و از وقوع اشتباهات مشابه در آینده جلوگیری کنند.

۸- آموزش اولین قدمی است که افراد را برای چگونگی استفاده از امکانات و وسایل جامعه آماده می سازد و حقوق آنها را در مورد نحوه استفاده از آنها را مشخص و معین می کند. در حقیقت آموزش مانند یک راهنما عمل می کند که برای رسیدن افراد به اهداف خود چگونه از موقعیت ها و شرایط موجود در جامعه استفاده کنند.

۹- آموزش باعث کاهش خشونت و جرم و جنایت در جامعه می شود. آموزش گذشته از انتقال دانش و مهارت، می تواند تأثیرات شگرفی بر رفتار و اجتماعی کردن افراد و سازگاری با اخلاق اجتماعی از طریق انتقال ارزش ها، هنجارها و نگرش های اجتماعی مطلوب و مناسب داشته باشد و عدم آموزش مناسب و سطح پایین سواد، از عوامل خطرآفرین در فعالیت های مجرمانه و رفتار خشونت آمیز در جامعه هستند.

۱۰- آموزش باعث ایجاد امید به آینده می شود. امیدوار ساختن مردم به اینکه بتوانند وضعیت خود را در زندگی بهبود بخشند، یکی از تأثیرات مهم آموزش در جامعه است. آموزش درهای جدید به روی انسان باز می کند که پیش از آن به خاطر جهل و نادانی از آنها بی خبر بوده است؛ آموزش این قدرت را دارد که انسان را از یک جهان ساکن و ایستا به یک جهان پویا و متحرک منتقل کرده است تا برای رسیدن به اهداف خود تلاش و کوشش کند.

انسجام اجتماعی و ایجاد وحدت در جامعه، حق دانستن، حق آموزش و پرورش برابر، حق بهداشت و درمان، حق بیمه و... اینها همه از دستاوردهای آموزش و پرورش است که انسان به خاطر دانش و آگاهی به وجود آنها پی برده و برای به دست آوردن آنها سعی و تلاش می کند (امیری، ۱۴۰۱).

کارکردهای اجتماعی آموزش و پرورش

انتقال فرهنگ انتقال فرهنگی ذاتی نیست و باید آموخته شود. در گذشته از طرق مختلف مانند شرکت در فعالیت های اجتماعی، تقلید، انتقال سینه به سینه و انتقال فرهنگ انجام می شد در غالب جوامع موضوع تغییر فرهنگی نیز در طول زمان اتفاق می افتد. هنگام تحول فرهنگ و پویایی آن بازآفرینی آن نیز نیاز به آموزش و پرورش دارد. یکی دیگر از نمودهای آموزش انتقال فرهنگ در آموزش و پرورش برنامه درسی پنهان است موضوع دیگر این که انتقال، فرهنگ امری محافظه کارانه است.

جامعه پذیری انتقال فرهنگ ارزش ها گرایش ها هنجارها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی به منظور پرورش اجتماعی نسل جدید از کارکردهای اجتماعی آموزش و پرورش است. انسان به صورت شخص زاده نمی شود بلکه در بستر اجتماع به یک شخص تبدیل می شود. گزینش اجتماعی از دیگر کارکردهای اجتماعی آموزش و پرورش تربیت نیروی کار برای مشاغل پیچیده امروزی است در حالی که در جوامع گذشته تربیت شغلی افراد به تقلید از پدران انجام می شد و انتقال از شغلی به شغلی غیر از پیشه آبا و اجدادی کاری دشوار بود امروزه آموزش و پرورش در تسهیل تحرک، اجتماعی، بسیار تاثیر گذار است. نظارت اجتماعی پایش القای ارزش های وفاداری به نهادهای جامعه و کنترل اجتماعی به معنای نظارت اجتماعی است و آموزش این ارزش ها بر عهده ی نهاد تعلیم و تربیت است. خودمداری تهدیدی برای نظم اجتماعی است و رسالت نهاد تعلیم و تربیت یک جامعه پرورش روحیه جمعی ارزشها و موازین اخلاقی احترام به نظام سیاسی اقتصادی حاکم و هم گرایی است. از ابزارهای نهاد تعلیم و تربیت برای ترویج هم گرایی استفاده از ابزار زبان است. یگانگی اجتماعی تبدیل جامعه نامتجانس به جامعه ی یگانه توسعه و تقویت فرهنگ و هویت مشترک و هم چنین آموزش زبان رسمی از کارکردهای آموزش و پرورش در جهت یگانگی اجتماعی است. نوآوری و تغییر آموزش و پرورش در تعامل خود با جامعه کارکردی دوگانه دارد. از سویی ضامن دوام و بقای حکومت هاست و از سویی دیگر منشأ تغییرات اجتماعی است. این منشاء بودن گاه آگاهانه و خودخواسته است و گاه ناآگاهانه و

خارج از اختیار حکومت های سیاسی است برای نوآوری برای دانش آفرینی و برای اشاعه باورهای علمی به جای باورهای سنتی این کارکرد آموزش و پرورش بسیار حیاتی است همچنین پیدایش نخبگان جدید از دستاوردهای رویکرد نوآورانه به تعلیم و تربیت است. در مجموع تعادل بین ثبات و تغییر بهترین نوع رابطه میان نظام حاکمیتی و نظام آموزش و پرورش است. کارکرد سرمایه گذاری راه نوسازی جامعه از مسیر تعلیم و تربیت میگذرد و امروزه تعلیم و تربیت به عنوان عامل مهم و تعیین کننده پیشرفت جامعه شناخته می شود. روشن است بهترین نوع سرمایه گذاری برای توسعه ی پایدار سرمایه گذاری انسانی است. کارکرد آموزش و پرورش برای توسعه نیروی انسانی در بسترهایی چون پرورش نیروی کار ارتقاء سطح مهارت و شایستگی فنی و تولید قدرت فزاینده صنعت و بهره وری صورت می گیرد. پرورش سیاسی آموزش و پرورش میتواند در کسب نگرش ها و احساسات مربوط به نظام سیاسی با سه عنصر شناخت احساس شایستگی سیاسی و همذات پنداری مؤثر باشد (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸).

نقش آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی

نیروی انسانی عامل توسعه است و کار پرورش نیروی انسانی بر عهده ی آموزش و پرورش است. از سویی دیگر آموزش و پرورش کارکرد ملت سازی دارد آموزش و پرورش یعنی سامان انسان ها در قاب یک ملت. کارکرد دیگر آموزش و پرورش نظام سازی است. آموزش و پرورش در توسعه ی اجتماعی کارکرد دوگانه دارد. کارکرد اول این است که نظام بهداشتی، فرهنگی و بقای نظام سیاسی و ... در آموزش و پرورش شکل می گیرند. طراحی نظام های موجود در جامعه با آموزش و پرورش است وجه تمایز آموزش و پرورش با صدا و سیما و رسانه های جمعی دیگر همین است. رسانه های دیگر هیچ گاه نمی توانند مسئولیت نظام سازی را به دوش بکشند کارکرد دوم آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی دولت سازی است تربیت نسل ها باسوادها و مدیران بر عهده آموزش و پرورش است (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸).

نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی

فلسفه آموزش و پرورش بر این اعتقاد استوار است که می توان انسان را تغییر داد رشد داد و یا به عبارت بهتر می توان انسان را به تعالی رساند این نکته هم در عمق آموزه های دینی ما و هم در تجارب بشری تصریح شده است. آموزش و پرورش باید توانایی ذهنی شهروندان را برای مواجهه با جبهه های جدید اجتماعی و فرهنگی در عرصه های درونی و بیرونی ساماندهی تجهیز و آماده کند. اگر خواهان پرورش دانش آموزانی متعلق به ریشه های فرهنگی و بومی خود هستیم، این خواسته تنها از راه خردورزی آنها میسر است. فرایند آموزش عمومی که در حساس ترین سن یادگیری یعنی دوران نوجوانی صورت می پذیرد باید قوه و توان تحلیل و انتخاب گری را در دانش آموزان ایجاد کند ضرورت امروز جامعه ما رشد و توسعه عقلانیت تا سرحد

برقراری تعادل بین خردورزی، عواطف و هیجانات است ما ناگزیریم که به تناسب شرایط زمان و با توجه به پارادایم آموزش و پرورش سازگار با توسعه انسانی به مهندسی نظام آموزشی خود بپردازیم.

در بحران های فرهنگی نقش آموزش و پرورش نمود بیش تری دارد. در جامعه شناسی فرهنگی تعریف بحران فرهنگی بدین معناست در شرایطی که فرهنگی از تمدن سازی باز می ماند و یا نمی تواند هنجار آفرینی با ارزش آفرینی کند، بحران آید در چنین شرایطی جامعه با چالش هایی چون بازماندن فرهنگ از هنجار سازی و سازگاری با مردم ضریب نفوذ و ضعف فرهنگ در مواجهه با تاثیرات و فشارهای جهانی مواجه می شود آن نهادی که می تواند وضعیت فرهنگی را از بن بست خارج کند نهاد تعلیم و تربیت است. آموزش و پرورش هم چنین می تواند در توسعه فرهنگ شهروندی نیز ایفای نقش کند آن چه در فرهنگ موجب دوام و قوام ارزش های محیطی و فرهنگ شهروندی می شود تکوین و وجود رابطه منطقی بین ساختار فرهنگ های عامه با نظام های آموزشی است. آموزش عمومی منجر به رشد فرایندهای هویتی و یک نواختی در تربیت عمومی می شود و در مقیاس شهری منجر به رشد تعادل و شهروندی مداری می شود آموزه هایی همچون احترام به، قانون نظم پذیری مشارکت جمعی و اعتقاد به توسعه الگوهای دموکراتیک شهروندی در بستر تعلیم و تربیت قوام می یابند (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۸).

آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی

آموزش و پرورش علاوه بر آثار اجتماعی دارای آثاری اقتصادی است، ادوارد نیسون در مطالعات خود نشان داده است که حدود ۲۱ درصد از رشد اقتصادی، در ایالات متحده امریکا بین سال های ۱۹۵۷-۱۹۲۷ ناشی از پیشرفت هایی بوده که از طریق بهبود کیفیت نیروی کار و ارتقاء سطح تکنولوژی حاصل شده که هردوی این ها عوامل متأثر از آموزش و پرورش است. آدام اسمیت که از معروفترین اقتصاددانان کلاسیک است معتقد است آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه گذاری در آنها است، که افراد با آموزش توانا تر خواهند شد، و رشد و قابلیت های آنها سبب می گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نائل گردند بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری آنها متمتع گردد. از نظر الفرد مارشال، آموزش و پرورش نوعی سرمایه گذاری ملی تلقی می گردد. از همین رو کشورهای غربی بین جنگ جهانی دوم و بعد از آن به سرعت هزینه های آموزش و پرورش را افزایش داده و برای بهبود اوضاع دوران پس از جنگ به باز نگری نظام آموزشی موجود پرداختند. ایالت متحده آمریکا، آلمان، ژاپن پیشرفت اقتصاد خود را مدیون سرمایه گذاری آموزشی می دانند که در گذشته در این جوامع صورت پذیرفت، در همه کشورهای جهان امروز، از جمله کشورهای جهان سوم آموزش و پرورش به صورت یک حوزه عمده سرمایه گذاری درآمده است. برخورداری یک جامعه از نیروی انسانی ورزیده و ماهر از مؤثرترین عوامل توسعه اقتصادی است، هیچ جامعه بیسودی تاکنون به پیشرفت های مهم اقتصادی نائل نشده است و هیچ جامعه با سوادی نیز از لحاظ اقتصادی عقب مانده نیست، کشورهایی که از درآمد سرانه بالایی

برخوردارند (مانند کویت و عربستان) ولی فاقد نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده هستند به پیشرفت واقعی اقتصادی نائل نشده اند، در حالی که کشورهایی از قبیل ژاپن، دانمارک با وجود منابع طبیعی فقیر نسبت به همسایگان خود با استفاده از نیروی متخصص و ماهر و بکارگیری صحیح آنها توانسته اند در مدت زمان کوتاه به پیشرفت های اقتصادی شگرفی دست یابند و از سطح زندگی بالاتری برخوردار گردند، آقای کینز می گوید: اگر جامعه ای صاحب درآمد ارضی فراوان باشد ولی نتواند نیروی انسانی لازم و متخصص را در داخل کشور پرورش دهد یقیناً رشد و توسعه اقتصادی در آن کشور فراهم نمی گردد. آموزش و پرورش رکن اساسی توسعه است، آموزش افراد نوعی سرمایه گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد، سرمایه انسانی که در نتیجه آموزش حاصل می شود از مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی است. هاربیسون در این زمینه اظهار می دارد: منابع انسانی پایه های اصلی ثروت ملتها را تشکیل می دهد، سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند در حالی که انسان ها عوامل فعالی هستند که سرمایه ها را متراکم می سازند و توسعه ملی را به جلو می برد به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمی را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره برداری نماید، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه دهد (شریف متولی الموتی، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

آموزش اساس و بنیان توسعه است و هر گونه پیشرفت و تحول اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه به آموزش آن جامعه وابسته است. آموزش به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی، تربیت و پرورش انسان ها را بر عهده دارد. آموزش به عنوان محرک و تحول انسان ها یاد شده است. آموزش و پرورش از بنیادی ترین و موثرترین نهادهای اجتماعی است که در چگونگی وضعیت کنونی و آینده بشر نقش اساسی دارد. آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق میشود که به صورت قراردادی و به شیوه ای منظم، منطقی و از روی برنامه ارائه گردد. این نوع آموزش و پرورش با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و با طی سطوح و مراحل مختلف آن ادامه می یابد. نیروی انسانی عامل توسعه است و کار پرورش نیروی انسانی بر عهده ی آموزش و پرورش است. فلسفه آموزش و پرورش بر این اعتقاد استوار است که می توان انسان را تغییر داد رشد داد و یا به عبارت بهتر می توان انسان را به تعالی رساند. آموزش و پرورش باید توانایی ذهنی شهروندان را برای مواجهه با جبهه های جدید اجتماعی و فرهنگی در عرصه های درونی و بیرونی ساماندهی تجهیز و آماده کند. آموزش و پرورش علاوه بر آثار اجتماعی و فرهنگی دارای آثاری اقتصادی است. آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه گذاری در آنها است، که افراد با آموزش

توانا تر خواهند شد، و رشد و قابلیت های آنها سبب می گردد که نه تنها خود به درآمد بیشتری نا تل گردند بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری آنها متمتع گردد.

منابع

امیری، باقر (۱۴۰۱). تضمین آینده با آموزش و پرورش.

<https://www.pana.ir/news/1330767>

حاتمی، صادق؛ ذوالفقاری، عطیه و منصوری اول، عطیه (۱۳۹۸). نقش آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی و فرهنگی.

حسن پور، هوشنگ (۱۳۹۱). توسعه آموزش همه جانبه مبنای توسعه سواحل مکران و نقش آن در اقتدار دریایی.

شریف متولی الموتی، محمد (۱۳۸۹). نقش آموزش و پرورش در توسعه.

<http://mshm.blogfa.com/post>

محمد زاده، محسن (۱۳۹۴). اولویت آموزش و پرورش و آینده جامعه.

<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/17288>

Arefnejad M (2018). Identification and Prioritization of Competency Components of School Managers with Emphasis on Islamic Management. Two Journal of Management and School Management; 5(1): 151-72.

Maleki Hi (2010). Planning Introduction. Edition F, editor. Tehran: Samat.